

خیابان جای تعزیه نیست
تعزیه؛ اپرای ایرانی

صنیم مودی

موسیقی در هوا طنین می‌اندازد صدای طبل، ترومپت، دهل، نقاره، سرنا و کرنا حال و هوای جنگ‌های صدر اسلام را به جان مردم می‌ریزد. سفر در زمان از گذشته آرزوی بشر بوده و او این آرزو را در قالب فیلم و نمایش تجلی بخشیده. تعزیه خوانی نیز یکی از همین‌هاست. مخاطب سوار بر کلمات و موسیقی، مسافر زمان می‌شود. به دوره صدر اسلام می‌رود و به نظاره وقایع تاریخی و میدان‌های جنگ می‌نشیند. همچنان که واژه‌ها مخاطب را به سفری در زمان میهمان می‌کند. مسافر گاه اشک و گاه سوز دلش را تقدیم سرداران اسلام می‌دارد. هر چند تعزیه میراثی کهن است اما کاستی‌ها آن را در جاده فراموشی قرار داده تا آنجا که امروز حتی بسیاری نمی‌دانند که می‌توان به تماشای تعزیه رفت، سرشار از شادی شد و برگشت. همچنین گروه‌هایی که بدون آموزش در کوچه و خیابان تعزیه می‌خوانند، ناخواسته بر زخم‌های تعزیه نمک می‌پاشند و دردش را صد افزون می‌کنند.

تعزیه‌ها برای سوگواری در ماه محرم و صفر از سالهای دور در این مرزوبوم اجرا می‌شود. اما آنچه که از یادها رفته آن است که از میان تمامی متون تعزیه‌ای که وجود دارد، بسیاری مربوط به موضوعاتی غیر عاشورایی است.

تعزیه‌های خیابانی متولی ندارد

نسل جوان هنوز تعزیه واقعی را ندیده است، چرا که در حال حاضر امکانات لازم و مکان مناسبی برای برگزاری چنین مراسمی وجود ندارد.

فعالیت تعزیه‌خوان‌های خیابانی بی آنکه نهادی بر نحوه عملکرد آنها نظارت داشته باشد و این گروه‌ها را ساماندهی کند یکی از مواردی است که به نگرانی‌های دوستداران هنر مذهبی ایران زمین دامن می‌زند. کسانی که بدون دیدن آموزش‌های لازم و تنها با تقلید از گروه‌های قدیمی تر به خیابان‌ها رفته و تعزیه می‌خوانند، خود هم نمی‌دانند که شاید نسخه‌های اصلی مجالس تعزیه را خدشه‌دار می‌کنند. بسیاری از استادان بزرگ این عرصه هم که همگی در کار خود بی نظیر بودند دارفانی را وداع گفته‌اند و به گفته «علاءالدین قاسمی»، تعزیه‌خوانی که از حدود ۵ دهه پیش در این حوزه فعالیت می‌کند، هم اکنون تعداد انگشت شماری از بزرگان این عرصه باقی مانده و اگر اینها هم بروند، تعزیه واقعی از بین می‌رود.

او با تأکید بر این که باید در پس حرکات تعزیه هدفی وجود داشته باشد و هیچ حرکتی نباید فقط نمایشی باشد، می‌گوید: «صد درصد فعالیت گروه‌های تعزیه‌خوان خیابانی که بدون آموزش در این حوزه کار می‌کنند اثر منفی بر هنر تعزیه می‌گذارد. روزی دیدم در مجلس تعزیه شهادت حضرت علی یکی از بزرگان تعزیه که بدون آموزش و به طور تجربی این کار را آموخته بود، وقتی در نقش ابن ملجم، شمشیر را از قطامه گرفت شروع به لرزیدن کرد. گفتم چرا در اینجا لرزیدی؟ گفت مردم خوششان می‌آید. گفتم اینکه مردم خوششان می‌آید دلیل خوبی برای این کار نیست. ابن ملجم زمانی لرزید که پس از فرود آمدن ضربه بر فرق مولا، نگاهش با نگاه آن حضرت تلاقی کرد. باید در پس هر حرکتی هدفی وجود داشته باشد. اما در تعزیه‌هایی که در خیابان‌ها اجرا می‌شود این اصل مهم رعایت نمی‌شود.»

وی از دیگر انتقادهایی که به فعالیت این گروه‌ها دارد آن



است که این‌ها برای آنکه بتوانند افراد را دور خود جمع کنند مجبورند حرکات و سروصدای اضافه تولید کنند.

قاسمی می‌گوید: «اگر چند نفر در خیابان بایستند و صحبت کنند کسی به آنها توجه نمی‌کند، مگر آنکه حرکاتی داشته باشند که جلب نظر کند، بر همین اساس گروه‌های تعزیه‌خوان خیابانی نیز از چنین امری دور نیستند.»

این پیشکشوت تعزیه‌خوان دلیل این همه را نبود ارگانی برای سازماندهی گروه‌های فعال در حوزه تعزیه خوانی می‌داند و تاکید می‌کند: «تا زمانی که سازمانی متولی رسیدگی به نحوه فعالیت گروه‌های تعزیه‌خوان نباشد، چنین معضلاتی برطرف نمی‌شود.»

شادی از تعزیه رخت بر بسته

تعزیه انگار فراموش شده. بسیاری از ده‌ها نسخه مجلس تعزیه‌ای که وجود دارد و حدود هزار و ۴۰۰ مورد آن را موزه واتیکان ثبت کرده امروز دیگر ناشناخته هستند. چنان که گویی هیچ‌گاه نوشته نشده و هیچ‌گاه بازیگران تعزیه آنها را اجرا نکرده‌اند.

قاسمی در باره این مجالس می‌گوید: «در عصر قاجار تعزیه‌های مختلف برای ۱۲ امام و تمامی مناسبت‌های مربوط به آنها، چون تولدها، شهادت‌ها و جنگ‌هایشان نوشته و ساخته شد. تعدادی تعزیه هم وجود دارد که ما به آنها تعزیه‌های حاشیه‌ای می‌گوییم. تعزیه خروج امیر مصیب از جمله اینها است. این تعزیه‌ها مربوط به کسانی هستند که به یاری امام حسین رفتند. همچنین تعزیه‌هایی مانند بازار شام، پشیمانی یزید، جنگ خندق، امام زین‌العابدین و امام رضا داریم. تعزیه‌های شادی‌آور نیز داریم از جمله آنها فتح خیبر است که نیمی از آن شادی است و در نیمی دیگر به دلاوری‌های حضرت مولا پرداخته شده‌است.»

او می‌افزاید: «همچنین تعزیه‌های قصر فدک و یا مراسم ازدواج حضرت زهرا را داریم. چنین نیست که همه تعزیه‌ها دارای مضمونی غم‌آور باشند. تعزیه‌هایی هستند که سرشار از شادی‌اند.»

چرا تعزیه‌های شادی‌آور که می‌توانند مردم را به سوی این هنر جذب کنند اجرا نمی‌شوند؟ چرا ایرانی باید از تعزیه تنها مجالس غم‌انگیز آن را بشناسد تا آنجا که حتی بسیاری ندانند که تعزیه در غم و اندوه خلاصه نمی‌شود. می‌توان به پای مجالس تعزیه نشست و مملو از شادی شد.

قاسمی درباره دلایل اجرا نشدن چنین تعزیه‌هایی می‌گوید: «تا کنون، سازمان یا ارگانی نداشتیم که ما را به طور کامل حمایت کند. در این مملکت همه مشاغل غالباً صنف دارند. این درحالی است که تعزیه‌خوان‌ها حتی صنف هم ندارند. در حال حاضر تعزیه‌خوان‌ها تصمیم نمی‌گیرند کدام مجلس را اجرا کنند. چرا که وقتی کسی بانی است و مجلسی را که می‌خواهد، سفارش می‌دهد، تعزیه‌خوان‌ها باید همان مجلس را اجرا کنند. سفارش‌دهندگان اغلب می‌خواهند مجالس تعزیه مربوط به دهه محرم خوانده‌نشود. کسی اجرای تعزیه‌ای چون سلیمان بلقیس را سفارش نمی‌دهد. بر همین اساس مجالس دیگری که مربوط به تعزیه‌ها غیر از دهه محرم هستند به فراموشی سپرده می‌شود.»

او چنین می‌افزاید: «هم اکنون من حدود ۳۰۰ مجلس تعزیه دارم. چگونه ممکن است به ۱۰ مجلس تعزیه در محرم بسنده کرد. ما مجلس سلیمان بلقیس را داریم که همه مضمون خنده‌آور دارد. در تعزیه امام رضا همه مجلس گریه نیست، بخش‌هایی از آن نیز خنده‌دار است. وقتی ما این مجلس را در فرانسه اجرا کردیم بینندگان غرق در خنده شدند. الزام تعزیه همه‌اش گریه نیست. امامان برای گریه ما نیامده بودند چنین چیزی را ما و روضه‌خوان‌ها ساخته‌ایم. عملاً ما بعد از محرم و صفر بیکار می‌مانیم و اگر خودمان کارساز نباشیم همه کارمان تنها به این دهه محدود می‌شود.»

اپرا و تعزیه همزادان دور از هم

وقتی نام تعزیه به میان می‌آید بسیاری را غم فرا می‌گیرد انگار تعزیه تنها یادآور وقایع غمبار تاریخ اسلام است که در قالب نقش‌ها و صداها جان می‌گیرند و در روح هر مخاطب جاری می‌شوند.

قاسمی می‌گوید: «وقتی سخن از تعزیه است، برخی چنین می‌اندیشند که این برنامه فقط مربوط به دهه محرم، روز عاشورا، شهادت امام حسین و یاران اوست اما واقعاً چنین نیست با مروری بر تاریخ تعزیه می‌بینید که در عصر قاجاریه و با ساخته شدن تکیه دولت تحولات مهمی در این عرصه بوجود می‌آید.»

پیش از دوره قاجار، تعزیه‌خوانی‌ها به صورت کارناوالی انجام می‌شد اما پس از آنکه ناصرالدین شاه به فرنگ رفت و اپرا را دید به ایران بازگشت و گفت که ما بهتر از اپراهایی که در آنجا اجرا می‌شود، داریم. او تعدادی از استادان بزرگ تعزیه‌خوانی، شعرا، بازیگران، موسیقیدان‌ها و تاریخ نگاران را گرد هم آورد و گفت می‌خواهیم کارهای تازه‌ای در تعزیه انجام دهیم. به طوری که تعزیه به اپرا نزدیک شود اما کارهای نمایشی در آن بیش از اپرا باشد. او خواست که در کارهای جدید، هم نسخه‌های مربوط به مناسبت‌های عاشورایی و هم وقایع غیر عاشورایی نوشته و پرداخته شود. در این زمان تعزیه را به شکل واقعی خود یعنی به شکل نمایشی، مذهبی سنتی درآوردند. و تشکیلات بزرگی که در تکیه دولت راه انداختند گنجایش آن را داشت که در حین اجرای برنامه از حدود ۴ هزار سواره‌نظام و پیاده‌نظام استفاده شود. یک چنین تشکیلاتی نمی‌توانست پس از دهه محرم تعطیل شود.

تعزیه هنری، سنتی و مذهبی است که به عنوان یکی از میراث‌های معنوی این کهن سرزمین از سال‌ها پیش به یادگار مانده است. هر چند امروز اجرای این هنر معطوف به دهه محرم شده و نسل جوان از شناخت آن فاصله گرفته است.

قاسمی درباره موسیقی تعزیه می‌گوید: «هم اکنون موسیقی اصیل ما مربوط به تعزیه است. این واقعیتی است که در موسیقی این هنر گوشه‌هایی وجود دارد که حتی برخی از موسیقی‌دانان بزرگ ایران هم آنها را نمی‌شناسند.»

قهوه‌خانه علی آقا، خانه تعزیه‌های رنگارنگ

یاد آن روزها بخیر که قهوه‌خانه علی آقایی بود و هر گوشه آن پاتوق یکی از اصناف رایج آن روز. گوشه‌ای از قهوه‌خانه نیز از آن تعزیه‌خوان‌ها بود. دورهم جمع می‌شدند و هر کس در هر روز از سال که هوای تعزیه به سرش می‌زد، به آنجا می‌رفت و گوش دل می‌سپرد به تعزیه‌های رنگ به رنگی که به مناسبت‌های



مختلف خوانده می‌شد. پیشکسوت‌های تعزیه دلشان برای آن روزگار تنگ شده و تنها به یاد آن روزها آه می‌کشند. قاسمی می‌گوید: «دل‌م برای آن تعزیه‌ها تنگ شده اما نمی‌توانم کاری کنم تنها نسخه‌های تعزیه‌ها را از کمدم در می‌آورم و نگاهشان می‌کنم و دوباره سرچایشان بازمی‌گردانم.»

شاهکارهای تعزیه خاک می‌خورند

میان نسخه‌های مختلفی که در صندوقچه‌های قدیمی خانه‌ها خاک می‌خورند نسخه‌ای به نام تعزیه موسی بیابانی وجود دارد. کارشناسان معتقدند، این تعزیه که پس از تعزیه عاشورا ساخته شده یکی از شاهکارهای این عرصه است. چرا که سازندگان آن با بهره‌گیری از تجربه‌های پیشین خود در زمینه نمایشنامه نویسی و موسیقی آن را خلق کرده‌اند. قاسمی می‌گوید در این تعزیه، موسیقی در جای خود قرار دارد و ملودی‌های زیبایی در آن به کار برده شده؛ زنجیره نمایش و موسیقی در هیچ جای تعزیه پاره نمی‌شود.

اگر انجمن تعزیه‌خوان‌های ایران پا بگیرد

پیشکسوتان تعزیه خود دست بکار شده‌اند و اقدام به تشکیل انجمنی برای رسیدگی به فعالیت‌های گروه‌ها و رفع کاستی‌های این حوزه کرده‌اند.

قاسمی در این باره می‌گوید: «به کمک تعدادی از دوستان که در وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی شغال هستند اقدام به راه اندازی انجمنی به نام «تعزیه‌خوان‌های ایران» کرده‌ایم و امیدواریم مجوز آن را به زودی بگیریم. در حال حاضر کار را تا نیروی انتظامی رسانده‌ایم. البته ارشاد پس از انقلاب به ما کمک‌هایی کرده اما این اقدام‌ها در راستای سازماندهی ما صورت نگرفته است.»

به گفته او، تلاش‌های این گروه از سه سال پیش آغاز شده است. و اکنون تاکید می‌کند؛ اگر این انجمن تشکیل شود، تحول مهمی در عرصه تعزیه به وجود می‌آید. در حال حاضر جشنواره‌های مختلف برگزار می‌شود گروه‌ها تمرین می‌کنند و پس از ارایه برنامه و پذیرفته شدن آن، کار را در جشنواره اجرا می‌کنند. برای تعزیه هم باید جشنواره برگزار شود. این در حالی است که تا کنون برپایی چادری در مقابل تئاتر شهر تنها اقدام صورت گرفته برای تعزیه خوانی است هر چند قاسمی آن را محلی مناسب و در شان اجرای تعزیه نمی‌داند.

«با تشکیل انجمن، این تشکیلات است که برای برگزاری تعزیه‌ها تصمیم می‌گیرد. انجمن اساسنامه و تبصره‌های مفصلی دارد، حتی در آن برای آموزش تعزیه، گردآوری گروه‌ها و اجرای نسخ متفاوت راه‌کارهای پاسخگویی اندیشیده شده، و جمع‌آوری نسخه‌هایی که در خانه‌ها و در دست مردم بدون استفاده باقی مانده نیز از جمله برنامه‌های آن است.» این‌ها، مواردی هستند که قاسمی در زمره اقدامات آتی انجمن و اهداف آن عنوان می‌کند.

تعزیه هنر است نه عزاداری

«پری صابری»، چند سال پیش، گروهی تعزیه‌خوان را به ایتالیا برد. «رضا فراهانی» یکی از اعضای موسیقی این گروه بود. او درباره تجربه‌اش از اجرای تعزیه در خارج از ایران و واکنش‌های مردم در برابر این برنامه می‌گوید: «غیرایرانی‌هایی که برای دیدن تعزیه به کلوزیم آمده بودند واکنشی متفاوت

از ایرانی‌ها در داخل داشتند. در ایران، مردم بر مبنای افکار و عقایدشان به هر جا که تعزیه اجرا شود، می‌روند و آن را می‌بینند. اما در ایتالیا مخاطبان از بعد هنری به تعزیه نگاه می‌کردند.»

فراهانی تاکید می‌کند که اگر بتوانیم تعزیه را به عنوان میراث معنوی ایران آنچنان که شایسته است، معرفی کنیم به طور قطع بسیاری از دولت‌ها خواهان اجرای این هنر در کشورهايشان هستند و گروه‌های تعزیه‌خوان ما از سوی فستیوال‌های بزرگ دعوت می‌شوند.

تعزیه نام پیامبر را به کلوزیم برد

«زمانی که کاری را به کشورهای دیگر می‌بریم حین اجرا و پس از اتمام آن، با مواجهه با ابراز احساسات مخاطبان، حس غروری ما را فرا می‌گیرد.» فراهانی این را می‌گوید و می‌افزاید: از داشتن چنین میراثی به خود می‌بالیم. این واکنش‌ها آنقدر زیبا و اثربخش است که در استادیوم کلوزیم ایتالیا و پس از اجرا بدون هماهنگی قبلی آهنگ «ای ایران» را نواختیم. همه

طنین انداخت.»

فراهانی می‌گوید: «ما در مهد فرهنگ و تمدن زندگی می‌کنیم. این مرز و بوم، سرای داشته‌های کهن بسیار است؛ تعزیه نیز از جمله این دارایی‌هاست. اما چندان که باید قدر نمی‌دانیم و امکانات لازم برای ماندگاری و اجرای اصولی آن فراهم نمی‌شود.»

مبادا تعزیه‌خوان‌های جوان بدعادت شوند

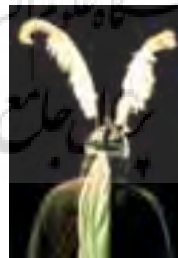
بی‌تدبیری‌ها در عرصه مدیریت تعزیه‌خوانی‌ها نیز چون تیشه‌ای به ریشه تعزیه می‌زند و تنه کهن آن را از جا در می‌آورد.

چنانکه قاسمی در توضیح این کاستی می‌گوید: «در قوت جان خوانسار حسینی‌ای وجود دارد که نقشه آن برگرفته از تکیه دولت است. این بنا در سه طبقه و با گنجایش ۵۰ هزار نفر ساخته شده است. حدود ۴۰۰ نفر پرسنل دارد. علاوه بر اینها امکاناتی برای اجرای مراسم تعزیه خوانی نیز در آن پیش بینی شده است از جمله این امکانات می‌توان از خرید حدود ۴۰ اسب نام برد. در این مجموعه نیز در دهه محرم تعزیه خوانده می‌شود.»

او با انتقاد از نحوه مدیریت مالی این حسینی‌ها پرداخت‌ها به گروه‌های تعزیه خوان می‌گوید: «من ۳۰ سال در این حسینی‌ها تعزیه خواندم. سالهای نخست، حسینی‌ها کوچکی با گنجایش حدود ۲ هزار نفر در این روستا وجود داشت که مجالس تعزیه‌خوانی در آن اجرا می‌شد. قانون پرداخت‌های مالی این مجموعه نیز چنین بود که می‌گفتند روز تیر که همان روز چهل و هشتم است هر چقدر که مردم نذورات به حسینی‌ها بدهند از آن تعزیه‌خوان‌هاست. اما خمس، زکات و نذورات دیگر روزها که مبالغ هنگفتی نیز بود برای حسینی‌ها هزینه می‌شود. حال اگر در آن روز شرایط آب و هوا مناسب نبود و مردم به حسینی‌ها نمی‌آمدند، گروه‌های تعزیه خوان ناچار بودند حتی هزینه رفت و برگشت‌شان را هم خودشان پرداخت کنند. با گذشت زمان، حسینی‌ها به جایی رسید که به امکانات زیادی مجهز شد و اکنون تشکیلات بزرگی است. در حال حاضر مدیریت این حسینی‌ها با گروه‌ها قرارداد می‌بندد اما در پرداخت‌ها به مواردی چون سابقه کار و تجربه افراد توجهی نمی‌شود.»

او این بی‌توجهی‌ها را از آن جهت برای جامعه تعزیه‌خوان‌ها مضر می‌داند که وقتی جوان‌ترها و افراد با تجربه این عرصه در یک سطح قرار گیرند، جوان‌ترها در خارج از آن حسینی‌ها دیگر نمی‌توانند با پیشکسوت‌ها ارتباط اصولی برقرار کرده و کار کنند. در نتیجه چنین موردی به کار تعزیه در نگاه کلان لطمه می‌زند.

روزها همچنان می‌گذرند و دیده‌های اشکبار به صحنه‌های تعزیه دوخته می‌شود. تعزیه‌خوان‌ها پیوند می‌زنند امروز را با قرن‌ها پیش. آنها راویان تاریخ اسلامند اما دریغ که از میان تمامی وقایع مذهبی، آنچه در قالب حرکات نمایشی و موسیقی با اجرا می‌شود بیشتر معطوف به دهه محرم است. و هر ایرانی و علاقمند به هنر تعزیه در دیگر روزهای سال از دیدار آن محروم می‌ماند. خنده در تعزیه دیگر ناشناخته است و تعزیه‌خوان‌های خیابانی بی آن که آموزشی دیده باشند راه ماندگاری این میراث معنوی کهن را ناهموار می‌سازند.



تعزیه انگار فراموش نشده. بسیاری از ده‌ها نسخه مجلس تعزیه‌ای که وجود دارد و حدود هزار و ۴۰۰ مورد آن را موزه واتیکان ثبت کرده امروز دیگر ناشناخته هستند. چنان که گویی هیچ‌گاه نوشته نشده و هیچ‌گاه بازیگران تعزیه آنها را اجرا نکرده‌اند

با هم می‌خوانند. آنجا پر از احساس شده بود. اینها همه به دنبال اجرای تعزیه و استقبال ایتالیایی‌ها بوجود آمد.»

او از دیگر خاطراتش از این سفر می‌گوید: «در کلوزیم بودیم. وقتی در پشت محل اجرا، داشتیم سازهایمان را کوک می‌کردیم بچه‌ها شروع به نواختن دف کردند و نام پیامبر و حضرت مولا را ذکر می‌گفتند. در آنجا که قدیمی‌ترین مکان نمایشی دنیا و با ۲ هزار و ۵۰۰ سال قدمت است نام این بزرگان